

شعله‌ورسازی انقلاب بعدی ایرانیان

از: پروفسور کولودکو

آنچه در خواندن سرفصل روزنامه‌های امریکایی مرا متعجب می‌کند این است که بیشترین چیزی که رسانه‌ها در مورد ایران به آن توجه می‌کنند بلندپروازی‌های ایران در زمینه مسئله هسته‌ای است. آنها به مسائل مهم‌تری که در ایران اتفاق می‌افتد توجهی ندارند.

همانطور که هر کسی که از ایران بازدید کرده باشد به خوبی می‌داند با وجود تمام فشارهای اقتصادی - اجتماعی (من جمله جمعیت زیاد جوانان و تغییرات جمعیتی و فنی در کشور) رژیم روحانیتی با فشارهای داخلی زیادی مواجه است.

من که بیشتر زندگی خود را در لهستان گذرانده‌ام به روشنی بخاطر دارم که چگونه دگرگونی‌ها به سرعت اتفاق افتاد هر چند که ملت لهستان در وضعیتی قرار داشتند که به ظاهر ناامیدکننده به نظر می‌آمد. به عقیده من چیزی شبیه آنچه در دهه 1980 در لهستان اتفاق افتاد ممکن است در ایران تکرار شود.

انقلاب بعدی

هر دو ملت، ملت‌هایی مغرور هستند و با وجود همه مهارت‌ها و دستاوردها و تاریخ خود آنها مجبور بوده‌اند که با موانع ژئوپولیتیکی اطراف خود به ویژه همسایگان پرخاشگر مقابله کنند. بخشی از مشکلات این دو کشور نیز ریشه در ناتوانی‌هایی دارد که خود را به بدترین شکل نشان داده‌اند و همچنین در بداقبالی‌هایی که ما با آنها مواجه شده‌ایم.

وقتی به تهران رفتم این سؤال در ذهنم بود: چرا ایرانیان نتوانسته‌اند همانند مردم لهستان خود را از شرایط نامطلوب کنونی از طریق فرصت‌های اقتصادی، آزادی بیان و حقوق حیاتی بشر رها سازند؟ از آنجا به حیطة حرفه‌ای خود وارد شده و سعی کردم تصور کنم که «انقلاب بعدی ایرانیان» به چه صورت خواهد بود. مطمئناً انقلاب سال 1979 با وجود بی‌عدالتی‌هایی که توسط شاه اعمال می‌شد انقلابی نبود که به منظور بازگشت به گذشته صورت گرفته باشد.

عواقب حمله

تجربه اقتصادی من نشان می‌دهد که به خاطر فرایند تغییر جمعیت و تغییرات تکنولوژیکی که از قبل آغاز شده‌اند انقلاب آینده ایران که توانایی بالقوه این کشور را بطور کامل آزاد می‌سازد از هم‌اکنون نزدیک است. مداخله امریکا فقط يك نتیجه را به دنبال خواهد داشت: این واقعه حساس سال‌ها به تأخیر خواهد افتاد.

مسئله هسته‌ای

سپس من از خود پرسیدم چرا تعدادی از سیاستمداران کنونی امریکا اینقدر بر مسئله سلاح‌های اتمی تمرکز دارند. چرا آنها حداقل به شعله‌ورسازی يك انفجار واقعی هسته‌ای در ایران یعنی به قدرت و توانایی بالقوه و ذاتی مردم این کشور توجهی ندارند؟

به نظر من و اکثر کسانی که مشارکت تاریخی امریکا در پیشرفت انسان‌ها را تحسین می‌کنند این کار جوهره آن چیزی است که کشور منتظر آن است. خیلی بد است که رهبری کنونی امریکا رسالت تاریخی این کشور در مورد ایران را مورد بی‌توجهی

قرار داده است. به هر حال ایران کشوری است که کاملاً برای کاربرد نسخه امریکایی‌ها یعنی استفاد از فرصت‌های اقتصادی و روحیه دموکراتیک آن آمادگی دارد.

امکان تغییر

همزمان همه ما می‌دانیم که ایران یک نمونه کوچک دموکراسی نیست اما بخشی از محور شرارت نیز به شمار نمی‌آید. ما به خوبی باید بدانیم که ایران یک نظام عملی کنترل و بازرسی دارد که می‌توان به حق رأی عدم اعتماد مجلس به رئیس‌جمهور اشاره کرد چیزی که حتی در ایالات متحده وجود ندارد.

ایران کشوری است که از هفتاد میلیون فرد تحصیل کرده تشکیل شده و در آستانه تغییرات عظیم قرار دارد. تعداد اندکی در غرب هستند که یکی از چالش‌های بزرگ روحانیون را درک می‌کنند: دوسوم جمعیت ایران آنقدر جوان هستند که بازگشت موفقیت‌آمیز آیت‌ا... خمینی در 28 سال پیش را بخاطر نمی‌آورند. بیشتر آنان در آن زمان هنوز متولد نشده بودند.

نه آنقدر تندرو

با وجود صحنه‌هایی که تصاویر تلویزیونی پس از نماز جمعه برای غربیان به نمایش می‌گذارند تعداد زیادی از ایرانیان چندان هم به معانی مذهب شیعه تعصب ندارند. در بازدیدهای خود متوجه شدم که بسیاری از مردم روشنفکر، چندفرهنگ، عمل‌گرا و متمایل به غرب و شرق هستند. آنها به هیچ عنوان دشمن غرب بطور عام و یا دشمن

امریکا بطور خاص نیستند.

در حقیقت طبق نظرسنجی مؤسسه گال‌آپ که در 27 کشور اکثراً مسلمان انجام شد، فقط در ایران احساسات نسبت به امریکا بهتر شده است. درصد افرادی که نسبت به امریکا نظر نامطلوب داشتند از 63 درصد در 2002 - 2001 به 52 درصد در 2006 - 2005 کاهش یافته است در حالی که این درصد در ترکیه از 33 به 62 رشد کرده است.

این امر نشان می‌دهد که توانایی بالقوه برای ارتباط دوجانبه بسیار زیاد است. مطمئناً رژیم کنونی ایران باید روش‌های خود را اصلاح کند. اما دولت کنونی در واشنگتن نیز باید همین طریق را پیش بگیرد.